

وی برای تربیت نفس خویش، تلاش فراوان داشت. نخستین تصمیم او، به اصطلاح هندی "تجردی درعین تأهل" است. تصمیم دوم وی "عدم تملک" است؛ این تصمیم با اهدای همه دارایی خود، حتی جواهر زرش، به کنگره هندوان مقیم آفریقای جنوبی آغاز گردید. گاندی به هم میهنان خود می گفت: "در راه راستی مبارزه کنید، ولی هرگز به اعمال زور و تشدد نپردازید تا موفق شوید."

وی در مدت ۲۹ سال، وضع کلی سیاست هند را تغییر داد ولی خود تغییری نکرد و بر اصول اخلاقی خویش پایبند بود. او با مشاهده علاقه عمومی مردم برای آزادی و استقلال، در هر موعظه ای که می کرد یا در مقالاتی که هر دو هفته با نام خویش، موسوم به "هند جوان" و "نوجوان" می نوشت، مردم را به آرامش تشویق می کرد. مهاتما برای رفع اختلافات پیروان ادیان مختلف به خصوص هندو و مسلمان همت گماشت و بر علیه استعمار مبارزه کرد. او دائما از شهرهای مختلف دیدار می کرد و اغلب پیاده به شهرها می رفت.

در نهایت، دشمنان وجود چنین مرد انقلابی را تحمل نکرده و نقشه مرگ او را طراحی نمودند. اولین بار یک بمب دستی به طرف اطافی که گاندی در آن نشسته بود، پرتاب شد ولی به وی اصابت نکرد. اما روز بعد در ۳۰ ژانویه ۱۹۴۸ ساعت نه و نیم صبح، هنگامیکه از عبادتگاه "بیرلاهاوس" خارج می شد تا برای اجرای فریضه دینی به خانقه برود، یک هندوی متعصب به نام "رامینات" به او نزدیک شد و در حالیکه تظاهر به ادای احترام می کرد به وسیله طپانچه کوچک خودکار، سه تیر به سمت قلب وی شلیک نمود. گاندی که روزهای آخر بیش از پیش ضعیف تر شده بود بر زمین افتاد و پس از ادای دو کلمه "هه رام" (خداوندا) درگذشت.

مهاتما گاندی (رهبر استقلال هند)، می گوید: من زندگی امام حسین(ع)، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خواندم و توجه کافی به صفحات کربلا نموده ام و بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین(ع) پیروی کند.

"پیشرفت اسلام، متکی به شمشیر نبوده است، بلکه به فداکاری والای حسین(ع) بدست آمده است. من از او یاد گرفتم چطور پیروز شوم درحالی که مظلوم ستم دیده هستم"



سرمشق



به فیض کامل رسیدند.

حضور با شکوه و گسترده مردم در این مراسم چون مراسم های گذشته بسیار با عظمت و ستودنی بود لذا از طرف دفتر نماینده مقام معظم رهبری از تک تک آحاد مردم و مومنین و نماز گذاران تقدیر و تشکر می شود اجرکم عندالله ان شاءالله.

همچنین در روزاربعین از ساعت ۱۱ با حضور چشمگیر دوستان و ارادتمندان به ائمه معصومین(ع) پس از خواندن زیارت اربعین حجه الا سلام والمسلمین آقای رجائی خراسانی به ایراد سخن پرداختند و سپس نماز ظهر چون عاشورا باشکوه برگزار و در ادامه مداحی و سینه زنی برپا شد و پس از صرف نهار مراسم به پایان رسید.

در روز ۲۸ صفر نیز مراسم یک ساعت به ظهرها حضور خیل کثیری از عاشقان اهل بیت با خواندن زیارت رسول مکرّم اسلام(ص) و ائمه بقیع(ع) و مداحی شروع و پس از نماز ظهرها سخنرانی و سینه زنی پس از صرف نهار به پایان رسید.

همچون روزهای اربعین و ۲۸ صفر در روز شهادت ثامن الحجج نیز مراسم عزاداری و سخنرانی پس از نماز جماعت ظهر و عصر با شکوه خاصی برگزار شد.

روابط عمومی مسجد امام حسین (ع) - دبی

در ایام دهه آخر ماه صفر شب ها بعد از نماز مغرب و عشا مراسم بزرگداشت اربعین ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) و رحلت جانگداز خاتم الانبیا حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و اله وسلم) و شهادت آقا امام حسن مجتبی (علیه السلام) و ثامن الحجج حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) با شرکت مومنین و نماز گذاران و عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) در حضور نماینده مقام معظم رهبری در مسجد امام حسین (ع) دبی با عظمت خاصی همچون دهه محرم برگزار شد.



در ضمن دوستداران اهل بیت(ع)

در این شب های عزیز از بیانات شیوای سخنران بر جسته حجه الاسلام والمسلمین رجائی خراسانی و مداحی مداح نامی آقای باقری

دانش آموزان کلاس های مسجد امام حسین (ع) به اردو رفتند.



روزهای شنبه مسجد امام حسین (ع) میزبان تعداد زیادی از دانش آموزان است که در کلاس های معارف اسلامی، قصص قرآن، روخوانی قرآن، نقاشی و دیگر کلاس ها شرکت می کنند این هفته پس از برگزاری کلاس ها با برنامه ریزی که قبلا انجام شده بود بچه های مسجد به پارک صفا رفتند تا در کنار هم ساعات خوشی را رقم زنند.

در این اردوی چند ساعته پس از بازی و تفریح بچه ها نهار را کنار هم صرف نمودند و سپس آرام آرام برای رفتن به منازل خود اسباب و اثاثیه خود را جمع آوری کرده و با سرویس های خود به منازل خود برگشتند.

در این اردو بعضی از اساتید نیز همراه بچه ها حضور داشتند. از همه دانش آموزان و اساتید بزرگوار که در برگزاری این اردو ما را یاری کردند تقدیر و تشکر می شود.

روابط عمومی مسجد امام حسین(ع) - دبی

برگزاری مراسم ولادت با سعادت امام باقر (ع) با حضور مستشاران عالی دولت امارات متحده عربی در مسجد امام حسین (ع)



وی با استقبال از سخنان وحدت آمیز نماینده مقام معظم رهبری در امارات افزود پشت سر جریانات تفرقه افکنانه و برخی شبکه های تلویزیونی دست استعمار گران و صهیونیست ها قرار دارد که با دروغ بستن به مذاهب و علماء سعی در اختلاف انگیزی بین مسلمین دارند .



بر اساس دعوت نماینده مقام معظم رهبری در امارات متحده عربی حجة الاسلام والمسلمین مدنی مستشار عالی شؤن دینی و قضایی دولت امارات آقای سید علی الهاشمی همراه با هیئتی از علمای برادران اهل سنت به مسجد امام حسین دبی آمد و ضمن دیدار با نماینده مقام معظم رهبری با مومنین و نماز گذاران و ایرانیان مقیم دبی سخن گفت.

پس از سخنان آقای سید علی الهاشمی دکتر سلیمان فرج از علمای اهل سنت مصر که از قضات برجسته ابوظبی است سخن گفت و بر ضرورت وحدت همه مذاهب اسلامی و پرهیز از اختلافات تاکید نمود. این مراسم همراه با مداحی مداحان ایرانی و انشوده های عربی توسط یکی از علمای اهل سنت بود که با استقبال پرشور حاضران روبرو شد. در پایان مراسم همه حاضران بر سر سفره اکرام امام باقر (ع) میهمان گردیدند.

در این دیدار که در شب میلاد امام باقر العلوم صورت گرفت ابتدا نماینده مقام معظم رهبری طی بیانات مبسوطی به برخی از جریانات که وحدت امت اسلامی را تهدید می کند اشاره نمود و اظهار داشت: ضروری است ضمن محترم شمردن ارای یک دیگر و پذیرش تعدد مذاهب و آراء دیگران از هر گونه اهانت به مقدسات سایر مذاهب و نیز از تعرض به تجمعات و اماکن مقدسه پرهیز شود و کسانی که به دنبال تکفیر و توهین به سایر مذاهب هستند از مجموعه فرهیختگان امت اسلامی طرد شوند. پس از سخنان نماینده مقام معظم رهبری آقای سید علی الهاشمی با تحلیل مفصل تاریخ اسلامی ضمن بر شمردن برخی انحرافات روی داده در صدر اسلام اظهار داشت شیعه اهل سنت واقعی هستند چون از سنت پیامبر و اهل بیت پیروی می کنند و اهل سنت هم شیعه هستند چون از پیامبر و اهل بیت تبعیت می کنند.



بازدید از شیرخوارگاه

حجة الاسلام والمسلمین مدنی نماینده مقام معظم رهبری همراه با جناب آقای افشار از شیر خوارگاه بازدید به عمل آوردند.

در این بازدید مربیان و نونهالان صحبت های خود را با نماینده مقام معظم رهبری در میان گذاشته واز دیدار صمیمی با ایشان اظهار خرسندی کردند.

ولادت امام هفتم

مراسم میلاد با سعادت امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) با حضور گسترده نماز گزاران محترم و نماینده مقام معظم رهبری بر گزار شد. در این مراسم معنوی حجة الاسلام والمسلمین بابا نیا در فضائل آقا موسی بن جعفر (علیه السلام) به ایراد سخن پرداختند . پس از مراسم پر فیض حضار محترم در کنار سفره آقا امام هفتم پذیرایی شدند.



خدا همه جا بود

یک نفر دنبال خدا می گشت، شنیده بود که خدا آن بالاست و عمری دیده بود که دستها رو به آسمان قد می کشد. پس هر شب از پله های آسمان بالا می رفت، ابرها را کنار می زد، چادر شب آسمان را می تکاند، ماه را بو می کرد و ستاره ها را زیر رو. او می گفت: خدا حتما یک جایی همین جا هاست. و دنبال تخت بزرگی می گشت به نام عرش؛ که کسی بر آن تکیه زده باشد. او همه ی آسمان را گشت اما نه تختی بود و نه کسی. نه رد پای روی ماه بود و نه نشانه ای لای ستاره ها. از آسمان دست کشید، از جست و جوی آن آبی بزرگ هم آن وقت نگاهش به زمین زیر پایش افتاد. زمین پهناور بود و عمیق. پس جا داشت که خدا را در خود پنهان کند

زمین را کند، ذره ذره و لایه لایه و هر روز فروتر رفت و فروتر خاک سرد بود و تاریک و نهایت آن جز یک سیاهی بزرگ چیز دیگری نبود نه پایین و نه بالا، نه زمین و نه آسمان. خدا را پیدا نکرد. اما هنوز کوه ها مانده بود. دریاها و دشت ها هم. پس گشت و گشت و گشت. پشت کوه ها و قعر دریا را، و جب به و جب دشت را. زیر تک تک همه ی ریگها را. لای همه ی قلوه سنگ ها و قطره قطره آبها را. اما خبری نبود از خدا خبری نبود. نا امید شد از هر چه گشتن بود و هر چه جست و جو.

آن وقت نسیمی وزیدن گرفت. شاید نسیم فرشته بود که می گفت خسته نباش که خستگی مرگ است. هنوز مانده است، وسیع ترین و زیباترین و عجیب ترین سرزمین هنوز مانده است. سرزمین گمشده ای که نشانی اش روی هیچ نقشه ای نیست.

نسیم دور او را گشت و گفت: "اینجا مانده است، اینجا که نامش تویی" و تازه او خودش را دید، سرزمین گمشده را دید. نسیم دریچه ی کوچکی را گشود، راه ورود تنها همین بود و او پا بر دلش گذاشت و وارد شد.

خدا آن جا بود

بر عرش تکیه زده بود و او تازه دانست عرشی که در پی اش بود، همین جاست. سال ها بعد، وقتی که او به چشم های خود برگشت، خدا همه جا بود؛ هم در آسمان هم در زمین. هم زیر ریگ های دشت و هم پشت قلوه سنگ های کوه، هم لای ستاره ها و هم روی ماه.



۳۷

شماره ۵۴
پهمن ماه
۱۳۹۰



انتقادی - فرهنگی



جعبه کفش

زن و شوهری در

طول ۶۰ سال زندگی مشترک، همه چیز را به طور مساوی بین خود تقسیم کرده بودند. در طول این سالیان طولانی آنها راجع به همه چیز با هم صحبت می کردند و هیچ چیز را از هم پنهان نمی کردند، تنها چیزی که مانند راز مانده بود، جعبه کفش بالای کمد بود که پیرزن از شوهرش خواسته بود هیچگاه راجع به آن سوال نکند و تا دم مرگ داخل آن را نبیند. روزی حال پیرزن بد شد و مشخص شد که نفس های آخر عمرش است. پیرمرد از او اجازه گرفت و در جعبه کفش را گشود. از چیزی که در داخل آن دید شگفت زده شد! دو عروسک و شصت هزار دلار پول نقد! با تعجب راجع به عروسک ها و پول ها از همسرش پرسید. پیرزن لبخندی زد و گفت: ۶۰ سال پیش وقتی با تو ازدواج می کردم، مادرم نصیحتم کرد و گفت: خوشبختندار باش و هر گاه شوهرت تو را عصبانی کرد چیزی نگو و فقط یک عروسک درست کن! پیرمرد لبخندی زد و گفت: خوشحالم که در طول این ۶۰ سال زندگی مشترک تو فقط دو عروسک درست کرده ای! پیرزن خنده تلخی کرد و گفت: هیچ می دانی این پول ها از کجا آمده است؟ پیرمرد کنجکاوانه جواب داد: نه نمی دانم. از کجا؟ پیرزن نگاهش را به چشمان پیرمرد دوخت و گفت: از فروش عروسک هایی که طی این مدت درست کرده ام!!!

آن که شنید و آن که نشنید

مردی متوجه شد که گوش همسرش سنگین شده و شنوایی اش کم شده است... به نظرش رسید که همسرش باید سمعک بگذارد ولی نمی دانست این موضوع را چگونه با او درمیان بگذارد. به این خاطر نزد دکتر خانوادگی شان رفت و مشکل را با او درمیان گذاشت. دکتر گفت: برای اینکه بتوانی دقیقتر به من بگویی که میزان ناشنوایی همسرت چقدر است، آزمایش ساده ای وجود دارد. این کار را انجام بده و جوابش را به من بگو... «ابتدا در فاصله ۴ متری او بایست و با صدای معمولی، مطلبی را به او بگو. اگر نشنیده همین کار را در فاصله ۳ متری تکرار کن. بعد در ۲ متری و به همین ترتیب تا بالاخره جواب بدهد.» آن شب همسر آن مرد در آشپزخانه سرگرم تهیه شام بود و خود او در اتاق پذیرایی نشسته بود. مرد به خودش گفت: الان فاصله ما حدود ۴ متر است. بگذار امتحان کنم. سپس با صدای معمولی از همسرش پرسید: «عزیزم، شام چی داریم؟» جوابی نشنید بعد بلند شد و یک متر به جلوتر به سمت آشپزخانه رفت و همان سوال را دوباره پرسید و باز هم جوابی نشنید. باز هم جلوتر رفت و به در آشپزخانه رسید. سوالش را تکرار کرد و باز هم جوابی نشنید این بار جلوتر رفت و درست از پشت همسرش گفت: «عزیزم شام چی داریم؟» و همسرش گفت: «بگه کری؟!» برای چهارمین بار میگویم: «خوراک مرغ!» حقیقت به همین سادگی و صراحت است. مشکل، ممکن است آن طور که ما همیشه فکر میکنیم در دیگران نباشد؛ شاید در خودمان باشد...

آورده اند که شیخ جنید بغدادی به عزم سیر از شهر بغداد بیرون رفت و مریدان از عقب او می رفتند شیخ از احوال بهلول پرسید. مریدان گفتند او مرد دیوانه ای است. شیخ گفت او را طلب کنید و بیاورید که مرا با او کار است. تفحص کردند و او را در صحرائی یافتند و شیخ را پیش بهلول بردند. چون شیخ پیش او رفت دید که خشتی زیر سر نهاد و در مقام حیرت مانده شیخ سلام نمود بهلول جواب او را داد و پرسید کیست؟ گفت من جنید بغدادی ام بهلول گفت تو ای ابوالقاسم که مردم را ارشاد می کنی آیا آداب غذا خوردن خود را می دانی؟ گفت: بسم الله می گویم و از جلوی خود می خورم. لقمه کوچک بر می دارم. به طرف راست می گذارم آهسته می جوم و به لقمه دیگران نظر نمی کنم. در موقع خوردن از یاد حق غافل نمی شوم. هر لقمه که می خورم الحمد لله می گویم و در اول و آخر دست می شویم. بهلول درخواست و گفت: تو می خواهی مرشد خلق باشی در صورتی که هنوز آداب غذا خوردن خود را نمی دانی و به راه خود رفت.

پس مریدان شیخ گفتند یا شیخ این مرد دیوانه است. جنید گفت: دیوانه ای است که به کار خویشتن هشیار است و سخن راست را از او باید شنید و از عقب بهلول روان شد و گفت مرا با او کار است. چون بهلول به خرابه ای رسید باز نشست. بهلول باز از او سوال نمود تو که آداب طعام خوردن خود را نمی دانی آیا آداب سخن گفتن خود را می دانی؟ گفت: سخن به قدر اندازه می گویم و بی موقع و بی حساب نمی گویم و به قدر فهم مستمعان می گویم و خلق خدا را به خدا و رسولش دعوت می نمایم. چندان سخن نمی گویم که مردم از من ملول شوند و دقایق علوم ظاهر و باطن را رعایت می کنم پس هر چه تعلق به آداب کلام داشت بیان نمود. بهلول گفت: چه جای طعام خوردن که سخن گفتن نیز نمی دانی. پس درخواست و به راه خود برفت.

مریدان شیخ گفتند این مرد دیوانه است تو از دیوانه چه توقع داری. جنید گفت: مرا با او کار است شما نمی دانید. باز به دنبال او رفت تا به بهلول او رسید. بهلول گفت تو از من چه می خواهی تو که آداب طعام خوردن و سخن گفتن خود را نمی دانی آیا آداب خوابیدن خود را می دانی؟ گفت آری می دانم. چون از نماز عشا فارغ می شوم داخل جامه خواب می گردم پس آنچه آداب خوابیدن بود که از بزرگان دین رسیده بیان نمود.

بهلول گفت: فهمیدم که آداب خوابیدن هم نمی دانی خواست برخیزد جنید دامنش را گرفت و گفت ای بهلول من نمی دانم تو قریه الی الله مرا بیاور. گفت تو ادعای دانایی می کردی؟ شیخ گفت: اکنون به نادانی خود معترف شدم. بهلول گفت:

اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل شام خوردن آن است که لقمه حلال را باید و اگر حرام را صد از اینگونه آداب به جای آوری فایده ندارد و سبب تاریکی دل می شود. و در سخن گفتن باید اول دل پاک باشد و نیت درست باشد و آن سخن گفتن برای رضای خدا باشد و اگر برای غرضی یا برای امور دنیوی باشد یا بیهوده و هرزه باشد به هر عبارت که بگویی وبال تو باشد پس سکوت و خاموشی بهتر و نیکتر باشد و در آداب خوابیدن اینها که گفتی فرع است. اصل این است که در دل تو بغض و کینه و حسد مسلمانان نباشد. حب دنیا و مال در دل تو نباشد و در ذکر حق باشی تا به خواب روی.

جنید دست بهلول را بوسید و او را دعا کرد و مریدان که حال او را بدیدند که او را دیوانه می دانستند خود را و عمل خود را فراموش کردند و از سر گرفتند.



آداب غذا خوردن، سخن گفتن، خوابیدن

انار؛

میوه‌ای بهشتی

معتبر سرطان چاق شده به تعدادی از افراد مبتلا به سرطان پروستات روزانه یک لیوان آب انار دادند. * در بیماران دیابتی احتمال بروز بیماری‌های قلبی و تصلب شرایین بسیار بالا است. نتایج تحقیقات در بیماران دیابتی نشان داد مصرف انار با وجود ۱۰ درصد مواد قندی که دارد نه تنها باعث افزایش قند خون نمی‌شود بلکه در بهبود وضعیت قلبی - عروقی و پیشگیری از صدمات ناشی از قند خون بالا و اکسیداسیون چربی خون عروق نیز مفید است. افراد دیابتی می‌توانند روزانه یک لیوان آب انار را جزو برنامه غذایی خود داشته باشند. دانشمندان برای انار خواص و آثار ذیل را برشمرده‌اند:

- ۱- مصرف انار شیرین برای معالجه ضعف و لاغری شدید بسیار مفید است.
- ۲- جوشانده پوست و گل انار به علت داشتن تانن قابض است و لذا در مورد اسهال خونی و خونریزی‌های شدید استعمال می‌شود.
- ۳- انار به علت داشتن پتاسیم و منیزیم در شستشوی خون موثر است و چون فعالیت کبد را زیاد می‌کند، در احتقان کبد موثر بوده و در رفع اوره و کلسترول و دفع سموم و تعادل مایعات بدن به خصوص خون نقش مهمی ایفا می‌کند.
- ۴- انار ضد سرماخوردگی است.
- ۵- انار به عنوان مفرح مصرف می‌شود.
- ۶- انار آشته‌آور است و بهتر است قبل از غذا مصرف شود.
- ۷- مصرف انار بوی بد دهان را از بین می‌برد.
- ۸- مصرف انار در معالجه راشیتیسیم (نرمی استخوان)، کم خونی و ضعف اعصاب موثر است و به بدن نیرو می‌بخشد.
- ۹- پوست و ریشه انار برای دفع کرم کدو مفید است. جوشانده پوست یا ریشه انار را برای دفع انواعی از کرم‌ها می‌توان مصرف کرد به این صورت که سه مرتبه در روز خورده شود، البته باید قبلاً ۲۴

طیب بزرگ ابوعلی سینا در کتاب قانون خود نوشته انار از میوه‌هایی است که تمامی قسمت‌های آن خواص دارویی دارد؛ گل انار خونریزی را بند آورده، لته‌ها را تقویت می‌کند و از پوست درخت انار برای درمان زخم‌ها

و آب انار برای کم‌خونی، سرفه و بیماری‌های التهابی کبد استفاده می‌شده است.

نام میوه‌ی انار در قرآن سه مرتبه در سوره‌های الرحمن (آیه ۶۸) و انعام (آیه‌های ۹۹ و ۱۴۱) ذکر شده است. قرآن از انار به عنوان میوه‌ای یاد کرده است که در بهشت در دسترس مؤمنان قرار می‌گیرد.

۸۵ درصد انار آب و ۱۰ درصد آن را قندهای ساده تشکیل می‌دهد. ۱/۵ درصد پکتین دارد که حاوی چند نوع فیتواستروژن و برای دستگاه گوارش مفید است. انار منبع خوبی از ویتامین‌های B۱، B۲، B۹ و ویتامین‌های C و K می‌باشد.

انار از مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی - عروقی، سکته‌های مغزی و سرطان‌های مختلف می‌کاهد

* انار در پیشگیری بیماری‌های قلبی - عروقی موثر است. نتایج تحقیقات نشان داده است که مصرف روزانه انار در افرادی که به درجاتی از تنگی و گرفتگی شریان کاروتید یا عروق کرونر دچار بوده‌اند طی چند سال، ۳۰ درصد کاهش در ضخامت چربی عروقی داشته‌اند.

* انار به علت خاصیت ضدالتهابی در کاهش فشار خون نیز مفید است. در مطالعه‌ای مصرف انار به کاهش ۲۰ درصد فشارخون منجر شده است.

گل انار، اسهال ساده را درمان می‌کند، برای این منظور باید گل انار را به صورت جوشانده یا دم کرده تهیه نمود و مانند چای با کمی شکر روزی سه مرتبه، یک فنجان میل نمود

* انار به علت وجود مقدار زیادی آنتی‌اکسیدان‌های مختلف روی پیشرفت سرطان و پیشگیری از سرطان نیز موثر است. محققان در یک مطالعه که در نشریه

